

## نکته‌ها (۲۴)

○ رضا مختاری

نکته (۱۰۹)

در باره برخی نواقص رساله‌های عملیه رایج، در برخی نکته‌های پیشین، مطالبی گذشت. اینک می‌افزایم که بیش از یکصد سال پیش در حوزه علمیه نجف اشرف مجله‌ای فارسی منتشر می‌شده است به نام درّه‌النجف، که شماره هفتم و هشتم آن در ذیقعدۀ سال ۱۳۲۸ هـ. ق منتشر شده است. صاحب امتیاز آن حاج حسین اصفهانی و رئیس تحریر آن آقا محمد محلاتی بوده‌اند. جالب اینکه در شماره مذکور آن که حدود یکصد و پنج سال پیش منتشر شده مکتوبی بسیار جالب از یکی از عالمان تبریز - که نامش دانسته نیست - حاوی پیشنهادهایی راجع به چند و چون و کم و کیف رساله‌های عملیه هست.

دیگر اینکه نشر مجله فارسی در حوزه قم در حدود پنجاه سال پیش مانند مکتب تشیع و مکتب اسلام، پدیده‌ای خیلی شگفت‌تلقی شده در حالی که پیش از

یکصد سال پیش در نجف مجله فارسی منتشر می شده است . اینک متن مکتوب  
مذکور و سپس نظر هیئت تحریریه مجله درّه النجف :

مکتوب یکی از علمای واقف به مقتضیات عصر امروزه به حضور هیئت علمیه

۱۹ شعبان ۱۳۲۸ از تبریز

خدمت با سعادت هیئت محترمه علمیه نجف اشرف (زادها الله شرفاً) عرض  
می شود کتب فقهیه اغلب با زبان عربی و اکثر از خواندن خاصه فهمیدن  
اصطلاحات محروم هستند و اهمی که از جانب مقلدین اساطین بر مسائل  
عبادات شده عشری از آن بر سایر مسائل مصروف نگردیده اگر چه جزئیات  
حوادث غیر محصور، و باب اجتهاد ممتنع الانسداد، از وجود مجتهدحیّ  
استغنائی نیست، اما اگر سایر مسائل نیز مانند عبادات مشروحاً و مفصلاً  
بافروغ متصوره و ممکن الاستیفاء تدوین و طبع شود خیلی اسباب سهولت  
کار خواهد شد.

مخصوصاً پاره [ای] مسائل عامّ الابتلاء هست که غالباً محتاجّ إلیه عوام بوده  
و دائماً استفتاء می نمایند و اگر فتاوی حجج الاسلام که مقلد عامه هستند در  
دست و شیوع عامّ داشته باشد سائل و مسؤول هر دو آسوده خواهند بود .  
در این باب آنچه به عقل قاصر می رسد این است که حضرات آیات الله (مد  
ظلمهم العالی) حکم فرمایند که مسائل متعلقه به مکاسب و قضاء و شهادت و  
غیره با ملاحظه شروطی که عرض خواهد شد تدوین و از نظر شریعت مخبر  
گذرانیده، تصدیق نمایند تا در میان عموم منتشر شود، عوام و خواص از او  
بهره مند گردند .

ملاحظات معروضه به نحو ذیل است :

(اوّل) : با زبان فارسی وضع سهل العبارة باشد،

(دوم) : مرتب [با] نمره و فصل باشد،

(سوم): مسائل از هم جدا شده، در یک بند و دو مسئله بیشتر ذکر نشود،  
(چهارم): بر فروع مندرجه در کتب فقهیه قناعت نفرموده، بلکه فروعی که  
عوام با مرور آیام مبتلا شده و سؤال کرده‌اند و در بعضی سؤال و جواب‌ها  
درج است تحت نظر دقت گرفته حکم مسئله بدون تعرض به ترتیب و کیفیت  
سؤال تعرض نمایند و خیلی معین است برای این مطالب کتاب جامع  
الشتات میرزای قمی و سؤال و جواب حجة الاسلام اصفهانی و حاجی  
ملا محمد اشرفی (رحمهم الله).

بلکه قناعت بر آن نکرده، آنچه ممکن است تعمق شده فروع متصوره و  
محتمله را به قدر مقدور استیفاء و تشقیق شقوق و اقسام نمایند چنانچه  
مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری در مسائل فرموده [است].

(پنجم): تبعیت ابواب کتب معموله فقهیه را لازم ندانند و فروع متعلقه به  
موضوع واحد را در ابواب متعلقه ایراد نمایند؛ مثلاً احکام متعلقه به اولیاء و  
مولی علیهم را در کتب فقهیه هر فرعی را به اقتضایی نوشته‌اند که احاطه بر  
فروع و تذکر محل ذکر آن مخصوص فقهاست و چه قدر مستحسن است که  
چنانچه بابی برای وکالت مخصوص کرده‌اند، بابی برای ولایت مخصوص  
نمایند و اقسام اولیاء را از اولیاء عامه و خاصه به استیفاء احکام و تکالیف و  
تعیین مقدار سلطنت آنها و هكذا اقسام مولی علیهم را با ملاحظه جمیع فروع  
ذکر نمایند.

و مضایقه نیست که در سایر مواقع لازمه که ذکر فرعی از فروع می‌شود  
اخطار شود که رجوع به فلان فصل نمایند.

(ششم): فصول و بندها را از هم جدا و به طرز جدید معمول نوشته شود،  
(هفتم): سایر مجتهدین عظام اگر خلافی داشته باشند مانند رساله عملیه  
عبادات در حاشیه یا ذیل صفحه به علامت نمره و عدد توضیح فرمایند.

(هشتم): اگر قناعت بر واجبات و محرمات بشود بهتر است،  
 (نهم): مختصر فهرستی در صدر کتاب برای سهولت پیدا کردن ابواب و  
 فصول معین نمایند.

اگر معروضات حقیرانه را با ترتیب کتب فقهیه موازنه فرمایند تصدیق خواهند  
 فرمود که آنچه تصور شده تا چه درجه سهل الوصول تر است.  
 زیاده عرض نمی‌کند. و السلام خیر ختام (امضاء محفوظ).

### درهٔ النجف:

حوزه علمیه نجف اشرف بکمال مسبقند که امروزه اولین وظیفه ایشان  
 تشکیل جمعیتی است مخصوص به جهت انجام این مقصود مهم که دارای  
 سه قوه باشد:

یکی: قوه تصرف که در استنباط فروع مستحدثه از مدارک و تطبیق با قواعد  
 فقهیه به طوری که با مذاق جمهور فقها (رضوان الله علیهم) ملائمت تامه  
 داشته باشد با رعایت و ملاحظه حقوق سیاسی امروزه ملک و ملت اسلام که  
 چه بسا تجویز و تحریم موضوعی موجب ضعف اسلام و تقویت کفر گردد،  
 چنانچه در سنه دخانیه استیلاء کلمه انگلیس بر ایران منشا تحریم دخانیات  
 گردید.

دوم: قوه تتبع که احاطه تامه به جمیع ابواب و فروع فقهیه داشته باشد؛ چه  
 البته معلوم است که در ذکر و تعرض فروع میزانی مضبوط در دست نبوده و  
 چه بسا دو فرع متعلق به یک موضوع در طی دو باب مختلف طرح شده که  
 بدو ذهن غیر فقیه متتبع هرگز بدان منتقل نخواهد شد و این مطلب هم  
 مخفی نماند که این قوه تتبع بایست جداً در تحت نظارت قوه متصرفه باشد  
 که مخصوصاً ملحوظ و منظر فقها (رضوان الله علیهم) را در تذکار فروع در  
 تحت عنوانی بدون مناسبت جلیه تعقیب نماید و پس از جولان انظار ثاقبه

صحت و سقم ایراد آن را در آن موقع تصدیق فرمایند.

سوم: قوه انشاء که در تقریر و تعبیر از اصطلاحات فقهیه بر حسب تفاهم عصر جدید در کمال سهولت و سادگی آشنا باشد.

گرچه تشکیل این جمعیت با ملاحظه قوای ثلاثه به طوری که بتوان آتیه روحانیت اسلام را از اثرات این جمعیت تبریک گفت بدون یک مؤونه کافی به مقدار تعیش اعضاء و مصرف وافی از برای نشر تصنیفات و تالیفات ایشان هرگز صورت نخواهد گرفت و امروزه از همت ارباب ثروت مسلمین به هیچ وجه ترقب اقدام در اینگونه از امور لازمه خیریه نیست.

ولی رجاء کامل از اقدامات سنیه ریاست روحانی مذهب جعفری چنان است که پس از تصفیه اوضاع ایران و رفاهیت خاطر عاطرشان از استخلاص مملکت اسلامی از چنگال قشون روس، توجهی به تأسیس و تشکیل این جمعیت فرمایند و تمام همت والای خود را در انجام آن به ترتیب یک نظام نامه که حاوی وظائف اعضاء کمّاً و کیفاً باشد اعمال و مصروف دارند.

چنانچه مشیخه اسلامیة حضرت سماحنا [کذا؟] و محمد کاظم افندی (دام ظلّه العالی) به تشکیل جمعیتی مشتمل بر هشت نفر اعضاء اقدام فرموده و تصفیه امور روحانیه ملت عثمانی را به ضمانت صدارت عظمی در اجراء آن به عهده گرفته اند از آن جمله اینکه تمام قضاة عثمانی علی اختلاف مراتبهم از ولایت و متصرفی و قائم مقامی و مدیری بایست در این جمعیت امتحانات مراتب علمی و عملی خود را داده پس از تصدیق جمعیت وامضاء مشیخه اسلامیة به مأموریت لایقه به مقام علمیت نائل و موفق خواهد شد.<sup>۱</sup>

۱. مجله درة النجف، سال اول، شماره هفتم و هشتم، ذیقعدة ۱۳۲۸ هـ. ق، ص ۳۱۶-۳۲۲.

نکته (۱۱۰)

مرحوم آیه الله سید علی بهشتی (قدس سره) از فقهای بزرگ نجف اشرف و به لحاظ علم و عمل و تقوا پس از وفات آیه الله خویی (قدس سره) لیاقت جانشینی ایشان را در امر مرجعیت داشت، ولی مرجعیت را متواضعانه نپذیرفت و زیر بار آن نرفت و خودش تصریح کرد: «لا ندعی لنفسنا شیئاً»<sup>۲</sup>. جالب اینکه متواضعانه سؤالات و استفتاءاتی را جمع به عبارات آثار فقهی معاصران و همطرازان و حتی احیاناً پایین تر از خود را پاسخ گفته است. شایسته است اینگونه روحیه ها در حوزه ها تقویت شود و کسانی که در صدد تصدند و برای رسیدن به آن دست و پا و نفس می زنند و به الوان مختلف در پی آند، از انظار ساقط شوند و جاه طلبی آن قدر قبیح و مستهجن تلقی شود که کسی دلش هوای آن نکند و به مجرد ظهور نشانه های آن، مدعی منفور شود. به هر حال به این سؤال و جواب از آیه الله بهشتی عنایت شود:

س: هل يجوز لنا الخوض في حديث العلماء و سيرتهم خاصة في مسألة الأعلمية بينهم، مع العلم أن مثل هذا الحديث قد يجرّ اللطعن فيهم أو في واحد منهم على أقلّ تقدير، فهل ترشدوننا في هذا ماجورين؟

ج: باسمه تعالی: يجوز ذلك بل يجب لتشخيص الأعلم و غير ذلك من الشرائط المعتبرة في التقليد و ليس ذلك موجباً للطعن؛ لأنه ليس من العيب للعالم أن يكون من هو أعلم منه (وفوق كلّ ذي علمٍ عليم)<sup>۳</sup> و هذا موسى (ع) و هو من الأنبياء أولي العزم كان هناك من هو أعلم منه في بعض الأمور. و يجب أن يكون البحث في ذلك بالطرق الشرعية المقررة لاعتن الهوى فكما أنّ المقلّد يكون معذوراً إذا اشتبه في تشخيصه بعد سلوكه الطريق الشرعي، فكذلك يكون المجتهد معذوراً إذا اشتبه في تشخيص جامعته لشرائط التقليد.

۲. مسائل و ردود، ص ۲۶، سؤال ۱۵ و نیز ر. ك: ص ۲۲، سؤال ۷.

۳. یوسف، آیه ۷۶.

هذا و يمكنكم استثناؤنا من البحث و الفحص حيث لا ندعي لنفسنا شيئاً و

إنما نجيب لما ذكرناه سابقاً. و الله العالم.<sup>۴</sup>

آية الله سيد عبدالحسين لاری (قدس سره) از شاگردان مبرز و مجاهد میرزای بزرگ شیرازی است که به امر آن بزرگوار به سمت فارس حرکت کرده<sup>۵</sup> و سالهای متمادی در آن خطه منشأ خدمات بسیار بوده است. از مطلبی که در پی می آید - حاوی سؤال و مکتوب یکی از علمای فارس به ایشان پس از وفات میرزای بزرگ، و نیاز شدید مردم آن خطه به مرجع تقلید و رساله عملیه، و پاسخ سید لاری - معلوم می شود که آن بزرگوار قبل از وفات میرزا رساله ای آماده نکرده و در پاسخ اصرار آن عالم مرقوم فرموده است: «... کرات و مرآت نوشته ام که بقا بر تقلید آقای حجة الاسلام [میرزای شیرازی] مورد و محل اطمینان داعی است بر صحت عمل و کفایت از عدول».

متن این سؤال و جواب این است:

سؤال نوزدهم: فدای تراب نعال مبارکت گردد این عبد عاصی جانی فانی محمد ابن زایر علی اشکنانی، دخیل دخیل رساله سرکار خودشان بفرستند که زیاد زیاد ضروری است. در باب هجرت از این ولایت آنچه مصلحت این عبد تبه روزگار می دانند زحمت کشیده بنویسند (جزاك الله خيراً) رساله خودتان، هرگاه از چاپخانه نیامده یک رساله محتاط بسیار خوبی از جهت این ذره فرستاده باشند که تا عمل به آن نموده باشیم به صحت آن مقتدای الانام. مدتی است که بعد از وفات حجة الاسلام [یعنی میرزای بزرگ شیرازی] معطل و سرگردان و متحیر و پریشان و در کار خود مستأصل و درمانده هستم و عبادات هباءً منثوراً گردیده چند نفر از برادران ایمانی و

۴. مسائل ورودود، ص ۲۶، سؤال ۱۵.

۵. ر. ک: رسائل سید لاری، تحقیق سید علی میر شریفی، ج ۱، ص ۱۳.

اخوان روحانی که تردّد و آمد و شد [دارند و] با این ذره هم جلیس و حیب هستند هم بی تقلید می باشند، این ذره هیچ علاجی ندارد، چه در جواب ایشان بگوید تقلید میت که به کار نمی خورد، البتّه الف البتّه رساله که عمل بتوان کرد فرستاده باشید. شما امروز جای امام نشستید، بر شما واجب و لازم و مصمم است که راهی به دست شیعیان و امتان پیغمبر داده باشید، زیرا که در این صفحه جات ملائیسست، در گردن شماسست، فردای قیامت دامن شما [را] خواهم گرفت و شکایت در نزد جناب شفیع المذنبین خواهم کرد. رساله فرستاده باشید. شرم از خدا و رسولش نمایید.

جواب: جواب این مسئله و رفع این شبهه مفصلاً نوشته شد سابقاً. گذشته از این از وقتی که فتح باب کلام شده تا حال شما به قدر یک رساله استفتاء نموده اید اگر به نصف آن عمل شود کفایت می کند، علاوه بر این، فتح باب احتیاط نشده [کذا، ظ: شده] که کافی از تقلید است، ایضاً علاوه بر این کرات و مرات نوشته ام که بقاء بر تقلید آقای حجة الاسلام مورد و محل اطمینان داعی است بر صحت عمل و کفایت از عدول.<sup>۶</sup>

سؤال شصت و ششم: این ذره عوام کالانعام بلکه از انعام پست فطرت، ولیکن اسمش به انسان است نه حیوان، شما الحمدلله ملاً هستید. این عاصی خدمتت جسارت می کند باید بدتان نیاید. هرگاه مجتهد هستید باید رساله بیرون بیاورید؛ زیرا که بر شما واجب است. هرگاه مجتهد نیستید تقلید هر کس که می کنید رساله همان کس باید بفرستید. از برای این ذره اگر رساله دارید بفرستید. هرگاه خودتان الحمدلله مجتهد هستید رساله خودتان بفرستید. این عاصی آنچه مسائل خدمت عرض نموده و جواب فرمایش

۶. مجموعه رسائل مجاهد بزرگ آية الله سيد عبدالحسين لاری، ص ۳۴۹، (رساله سؤال و جواب فقهی، ضمن مجلد شماره ۱۰ از مجموعه آثار).



فرموده‌اید مردم تمام از قول این عاصی در کار عمل کردن می‌باشند به مسئله مسئله نوشتن درست نمی‌آید. رساله البته فرستاده باشید یا می‌خواستید در این دهات و قراهای خراب بی حساب تشریف نیاورید. رساله یا کتاب فارسی که بتوان عمل نمود فرستاده باشید.<sup>۷</sup>

سؤال صدو نوزده: فدای تراب نعال مبارک گردد این ذره بی مقدار عاصی تبه روزگار محمد ابن علی الاشکنانی که زحمت کشیده جواب مسائل فرمایش بفرمایند و مسامحه نمایند. این عاصی تا حال تقلید مرحوم شیخ زین العابدین مازندرانی نموده حال تقلید سرکار حجة الاسلام. جناب حاجی میرزا محمد حسن دام ظلّه العالی می‌فرماید: رساله خود آنجناب ندارد محبت نموده هرگاه رساله دادند مرحمت بفرمایند رساله سرکار خودشان بفرستند چند یومی مطالعه می‌شود فرستاده خدمت خواهد گردید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

جواب: اما تقلید غیر اعلم که باطل<sup>۸</sup> است و اما رساله غیر عربی آقای حجة الاسلام هم که فعلاً ندارم از برایت بفرستم هرگاه بعد میسر شد می‌فرستم.<sup>۹</sup>

از پاسخهای سید لاری به برخی سؤال‌ها زیرکی سید معلوم می‌شود و مشخص می‌شود که به هر استفتایی نباید جواب کتبی داد و جواب دادن به استفتاء ظرافت‌ها و ریزه کاری‌هایی دارد که بیش از هر زمان در زمان ما باید مد نظر و مورد عنایت باشد. یک نمونه از این سؤال و جواب‌ها، چنین است:

۷. مجموعه رسائل مجاهد بزرگ آية الله سید عبدالحسین لاری، ص ۳۷۱، (رساله سؤال و جواب فقهی، ضمن مجلد ۱۰ از مجموعه آثار).
۸. شجاعت و صراحت سید در بیان حکم خدا ستودنی است.
۹. مجموعه رسائل مجاهد بزرگ آية الله سید عبدالحسین لاری، ص ۳۹۴ (رساله سؤال و جواب فقهی، ضمن مجلد ۱۰ از مجموعه آثار).

سؤال صد و هفده: هرگاه دختری از خاصه، زن عامه شده باشد می توان بی آنکه عامه طلاق او را بگوید به مکر و حيله يا به جبر از نزد شوهرش بیرون بیاورند یا الأفلا؟ [کذا، شاید: یا فلا]

جواب: جواب این مسئله باید به مشافهه باشد نه مکاتبه و مبنی بر تقیه است نه حقیه. ۱۰

نکته (۱۱۱)

مصالحه و دستگردان صوری در وجوه شرعی یکی از لغزشگاه هایی است که گاهی ظرایف آن رعایت نمی شود. در سیره امام موسی صدر گفته اند که به جای دستگردان وجوه شرعی، به مدیون و من علیه الخمس می گفت: «تا وقتی که توانایی پرداخت خمس نداری مجازی در آن تصرف کنی و هنگام قدرت بر پرداخت، باید پردازی و دیگر مجاز به تصرف نیستی». مدتی هم دفتر مرحوم آیت الله بهجت (قدس سره) به همین نحو عمل می کرد؛ زیرا فقیهی که حق دارد وجوه شرعی را به مدیون قرض بدهد، حق دارد به مدیون اجازه تصرف در شرایطی خاص بدهد. به هر حال این بحث دامنه داری است که ان شاء الله جداگانه به آن خواهیم پرداخت. در اینجا به نقل دو سؤال و جواب از میرزای نائینی اکتفا می کنیم:

س: لو صالح من يستحقّ الزکوة أو حقّ السادة مع من علیه الحق علی مقدار من الحقّ الواجب علیه بما یساوي ربه أو خمسة أو عشرة و نحو ذلك فهل یصحّ هذه المصالحة و یبرأ المتصالح عن ذلك المقدار الذي صولح علیه أم لا؟ و علی تقدیر الفساد فهل یجوز للمستحق المصالح المذكور أن یقبض العوض الذي صالح به أم لا ولو قبضه فهل یبرأ ذمّة من علیه الحق بذلك

۱۰. مجموعه رسائل مجاهد بزرگ، آیه الله سید عبدالحسین لاری، ص ۳۹۴ (رساله سؤال و جواب فقهی، ضمن مجلد ۱۰ از مجموعه آثار).

المقدار أم لا؟ ولو كان المصالح المذكور هو وكيل المجتهد و صالح على مقدار من حق الامام(ع) أو المظالم أو مجهول المالك بما يساوي ربه أو خمسة أو عشرة فهل يصحّ ويرأ ذمة من عليه الحق عن الحق الواجب عليه بهذا الصلح أم لا؟

ج : ليعلم اخواننا المؤمنون (أيدهم الله تعالى) أنّ المصالحات المذكورة من المكاييد والحيل التي اتخذها بعض من لايبالي بالدين لغشّ المسلمين و اختلاس أموالهم ... و كلّها باطلة و لا تبرأ ذمة من عليه الحق من درهم ممّا عليه حتى أنّ العشر أو الخمس أو الربع الذي يدفعه إلى المصالح عوضاً عمّا صلحه عليه يتلف من ماله و لا يبرأ ذمته حتى بذلك المقدار؛ لأنّه لا يدفعه خمساً ولا زكوة ولا غيرهما، و إنّما يدفعه عوضاً عما يتخيّل انتقاله إليه بذلك الصلح الفاسد. و لا يحلّ للمصالح المذكور أيضاً قبضه. و لو صدرت عن وكيل المجتهد مصالحة كذلك انعزل عن الوكالة رأساً و كان خائناً.

نعم لو كان من عليه الحق جاهلاً بمقدار الحق الواجب عليه كما هو الغالب فيمن مضت عليه سنوات ولم يحسب في كلّ سنة بخصوصها ليعلم مقدار ربه أو خسارته في تلك السنة و بعد أن مضت عليه مدّة [ندم] لما فرط في جنب الله و أراد تخليص أمواله من الخمس المتعلق بها و لا يعلم مقداره و تردّد بين العشرة مثلاً أو العشرين ففي مثل ذلك يجوز للمجتهد أن يصالحه بالمتوسط بين طرفي الأقلّ و الأكثر و هو الخمسة عشر في المثال، فيجوز ذلك لو كيّله أيضاً إذا كانت وكالته مطلقةً و فيما عدا أمثال ذلك من المجهولات لا يجوز الصلح على الحقوق الواجبة مطلقاً. فلا يندخ إخواننا بأمثال هذه الخدائع إن شاء الله تعالى .

س : لو دفع من عليه الحق قدراً يعتدّ به من الحق الواجب عليه إلى من يستحقّه ثم ردّ المستحقّ بعضه أو كلّه إلى دافعه هبة منه له فهل يجوز ذلك و

تبراً ذمه الدافع عما دفعه إلى المستحق مع ردّه إليه أم لا؟  
ج: هذا أيضاً من وجوه الحيل المعمولة لإبطال الحقوق الإلهية، ويسمى بالفارسية دستگردان و هو أيضاً كسائر الحيل المعمولة في هذا الباب لا يجدي شيئاً، فلو فرض أن المستحق لو ملك هذا المال بكدّ يمينه أو ميراثاً من أبيه يهبه من هذا الدافع كان الرد إليه على هذا التقدير هبةً صحيحةً شرعيةً والدفع إليه واقعياً موجباً لبراءة الذمة.

وأمّا هذه الصورة المبنية من أوّل الأمر على الإعطاء و الردّ فليست إلاّ اللعب المحض. ولو عدل من عليه الحق في براءة ذمته بهذا اللعب كان كمن اعتمد على «سراب بقیعة» يحسبه الظمان ماءً حتى إذا جاء لم يجده شيئاً و وجد الله عنده فوقه حساباً». أعاذنا الله تعالى جميعاً عن الحسرة العظمى عند الموت و في العقبات بعده بالنبي وآله الطاهرين.<sup>۱۱</sup>

نکته (۱۱۲)

نکته ای آموزنده از امام خمینی در باب وجوه

حجة الاسلام شیخ محمود قوچانی می گوید:

یکی از مقلدان امام مبلغ زیادی را به عنوان وجوهات به یکی از علمای تهران داده بود تا آن را خدمت امام برساند. ایشان اشتبهاً آن مبلغ را برده بود خدمت آیت الله حکیم و از ایشان قبضی گرفته و برگشته بود و قبض را پس از بازگشت به ایران به آن شخص مقلد داده بود. آن شخص گفته بود که من گفتم این پول را خدمت حضرت امام بدهید چرا قبض آیت الله حکیم را

۱۱. رساله عملیه محقق نائینی (وسیلة النجاة)، چاپ نجف، مطبعة حیدریه، ۱۳۴۰ هـ. ق، ص ۶۱-۶۲. از دوست گرامی و فاضل محترم جناب مستطاب آقای سید جواد ورعی که این نکته را در اختیارم نهادند سپاسگزارم.

برای من آورده ای؟ آن عالم سریع بلیت هواپیما گرفت و به عراق بازگشت و رفت خدمت مرحوم آقای شیخ نصر الله خلخالی و گفت من پول را به اشتباه به خدمت آقای حکیم داده و قبض گرفته ام اما شخص صاحب پول قبض امام را می خواهد. آقای خلخالی هم قبض را گرفت و به خدمت امام آورد. امام تا آن قبض را دیدند آن را گرفتند و فوراً یک قبض رسید نوشتند، یعنی خودشان قبض دادند نه اینکه قبض آیت الله حکیم را تأیید کنند. قبضی صادر کردند که آن مبلغ پول رسید. ۱۲

نکته (۱۱۳)

«حیّ علی خیر العمل» در اذان مسجد الحرام در سال ۵۷۹

ابن جبیر در سفر نامه اش گوید:

و للحرم أربعة أئمة سنية و امام خامس لفرقة تسمى الزيدية. و اشراف أهل هذه البلدة علی مذهبهم و هم یزیدون فی الأذان «حیّ علی خیر العمل» إثر قول المؤذن: «حیّ علی الفلاح» و هم روافض سبّابون [كذا] و الله من وراء حسابهم و جزائهم و لا یجمعون مع الناس، إنّما یصلّون ظهراً أربعاً، و یصلّون المغرب بعد فراغ الأئمة من صلاتها.

فاوّل الأئمة السنية الشافعي، رحمه الله، و أنّما قدّمنا ذكره، لأنّه المقدم من الإمام العباسي و هو أوّل من یصلّي، و صلاته خلف مقام إبراهيم صلّي الله علیه و سلّم و علی نبینا الکریم، إلّا صلاة المغرب؛ فانّ الأربعة الأئمة یصلّونها فی وقت واحد مجتمعين لضيق وقتها: يبدأ مؤذن الشافعي بالإقامة ثمّ یقیم مؤذّنو سائر الأئمة، و ربّما دخل فی هذه الصلاة علی المصلّین سهو و غفلة لاجتماع التكبير فيها من كلّ جهة فربّما ركب المالکي برکوع الشافعي

۱۲. خاطرات نجف اشرف، ج ۱، ص ۱۹۱.

او الحنفی او سلم أحدهم بغير سلام إمامه، فترى كل أذن مصيخة (كذا، ظ: مصغية) لصوت إمامها أو صوت مؤذنه مخافة السهو. ومع هذا فيحدث السهو على كثير من الناس.

ثم المالكي، رحمه الله وهو يصلي قبالة الركن اليماني وله محراب حجر يشبه ... ۱۳.

مشکلی که در سده ششم در مسجد الحرام به سبب همزمانی چهار نماز جماعت بود و اهل سنت اکنون آن را برطرف کرده اند؛ هنوز در برخی مراکز دینی ما شیعیان وجود دارد از جمله در نماز جماعت های همزمان حرم مطهر حضرت سید الشهداء (علیه آف التحية والثناء و ارواحنا فداء)<sup>۱۴</sup> و الی الله المشتكى.

نکته (۱۱۴)

کتاب نزهة الأبصار و محاسن الآثار اثر جالبی است که نسخه منحصر به فرد آن اخیراً پیدا شده و مرحوم علامه محمد باقر محمودی او اخر عمر آن را تصحیح و فرزند برومندش شیخ محمد کاظم محمودی آن را برای چاپ مهیا و منتشر کرد. این کتاب حاوی کلمات نورانی امیرالمؤمنین (علیه أفضل صلوات المصلین) است و دهها سال پیش از نهج البلاغه تألیف شده است. ماجرای ذیل در ص ۳۸۳ کتاب مذکور، بس آموزنده و درمان برخی دردهای جامعه ماست و نشان دهنده اینکه حضرت امیر علیه السلام چقدر به اطرافیانش میدان داده که چنین با او سخن بگویند و چه جوانان پاك دامنی تربیت کرده که در چنین شرایطی بگویند: «نصبر إلی أن یوقی الصابرون أجرهم بغير حساب».

۱۴. رحلة ابن جبیر، بیروت، دارومکتبة الهلال، ص ۷۰، ۲۰۰۳ م.

۱۴. ر. ک: کتاب شیعه، ش ۱ (بهار و تابستان ۸۹) مقاله «از قم تا نجف اشرف»، ص ۲۹۶.

[قوله (ع) لجاریته بعدما أحبها بعض الشباب]

و یروی أنّ جاریه كانت له (ع) تخرج إلى السوق و تقضي حاجتهم [کذا،  
ظ: «حاجته» أو «حاجتها»]. فرجعت إليه يوماً، فقالت له: یا امیرالمؤمنین  
إنّ الشابّ الذي یؤدّن لك یتعرّض لي کلّما خرجت فيقول: «إني أحبک!»  
فقال لها: «فقولي له أنت أيضاً: انّي أحبک، فمه؟». فذهبت جاریه يوماً  
في حاجتها فاستقبلها الشابّ فقال لها: «إني أحبک» فقالت جاریه: «وانّي  
أحبک أيضاً، فمه؟» فقال الشابّ: «نصبر إلى أن یوقّي الصابرون أجرهم بغير  
حساب»، فسمع مقالتها فاعتق جاریه و زوجها من الشابّ.

نکته (۱۱۵)

پاسخ آیت الله بروجردی به استفتاء یک معلم

مرحوم آیت الله حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی (قدس سره) در پاسخ به استفتای  
یکی از معلمان اردکان که از او در مورد تصرف در حقوق دولتی اذن خواسته بود، اذن  
خود را موکول به دو امر دانسته است: ترویج مبانی دینی و پاسخ به شبهات.  
متن اصلی این استفتاء در ضمن اسناد علی سپهری اردکانی بوده و در کتاب  
زیر آمده است:

مجموعه اسناد علی سپهری اردکانی، دفتر اول (معرفی میراث مخطوط:  
۵۰)، نوشته سید صادق اشکوری، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۵ هـ. ش،  
ص ۱۵۰. ۱۵

۱۵. از دوست گرامی و فاضل محترم جناب مستطاب آقای عبدالحسین طالبی که این نکته را در  
اختیارم نهادند سپاسگزارم.

استفتاء از آیت الله بروجردی

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

محضر مقدس فیض اثر بندگان حضرت مستطاب اجل آیت الله فی الارضین  
آقای حاج آقا حسین بروجردی (متع الله المسلمین بطول بقائه).

احتراماً به عرض اقدس عالی می‌رساند: فدوی که شاغل به شغل دبیری  
قرآن، شرعیات، عربی کلاس‌های دبیرستان و مدیر و سرپرست دبستان  
شش کلاسه اردکان می‌باشم، در قسمت حقوق خود که مسلماً بدون شبهه  
نیست از آن جناب استیذان نموده اجازه می‌خواهم دستور فرمایند به نیابت از  
حضرت مستطاب عالی قبول نموده مجدداً به خود تملیک نمایم و نسبت به  
سنوات سابقه هم تصحیح فرمایید.

و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته من العبد الاحقر الجاني محمد بن  
الحاج ملاعلي الاردكاني.

جواب دفتر حضرت آیت الله بروجردی

حضرتعالی وکیل به حقوق خودتان از طرف حضرت آیت الله می‌گردید و  
واگذار به خودتان کنید در گذشته و آینده، ولی فرمودند به دو شرط: اول آن  
که تعلیم شرعیات به اطفال بکنید و ثانیاً شبهاتی که ... معلمین به اطفال  
کرده اند از ذهن اطفال بیرون کنید ... . و رحمة الله و بركاته .  
الاحقر عبدالوهاب الموسوي اليزدي.